

فن آوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی

مرتضی شهبازی نیا^{*۱}، مجید غمامی^{**۲}، صدیقه جوان^{***۳}

۱. (نویسنده‌ی مسئول)، دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دوره‌ی دکترای حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۹/۰۵)

چکیده

استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات، دارای اهمیت فراوانی در بهبود مدیریت دادگستری و عاملی در گسترش فرصت‌های جدید می‌باشد. امروزه ناکارآمدی روش‌های مرسوم و سنتی ابلاغ اوراق قضایی، بایگانی پرونده‌ها و پرهزینه بودن آن‌ها، چالش‌های دسترسی به منابع اطلاعاتی مطمئن، بیم مفقود شدن اوراق و مدارک و اطاله دادرسی از یک طرف و امکان پیگیری از راه دور وضعیت پرونده و ارسال لوایح و غیره با استفاده از فن آوری‌های جدید به یکی از دغدغه‌های جدی نظام‌های حقوقی - قضایی تبدیل شده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در مقام پاسخ به این سوال است که چگونه می‌توان از فن آوری‌های نوین برای حصول عدالت قضایی و بهبود دسترسی به دادگستری بهره برد. هرچند در حوزه تجارت الکترونیک گام‌هایی برای استفاده از فن آوری‌ها برداشته شده و در قوانین برنامه پنجم و ششم توسعه، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه و ... دولت الکترونیک از جمله در حوزه قضایی پیش‌بینی گردیده اما میزان تحقق عینی و عملیاتی آن در نظام داخلی، نیازمند الزامات، بسترسازی، آسیب‌شناسی و رفع موانع آن در پژوهش مستقل است. لذا در این مقاله، زیرساخت‌های توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از این فن آوری در روابط داخلی و خارجی دادگاهها به منظور بهبود دسترسی به دادگستری/عدالت، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

* **Email:** shahbazinia@modares.ac.ir

** **Email:** mghamami@ut.ac.ir

*** **Email:** S.javan65@gmail.com

کلیدواژگان: دسترسی به دادگاه، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، خدمات قضایی الکترونیکی، بایگانی الکترونیکی، دادرسی بر خط.

مقدمه

یکی از جلوه‌های دادگستری نوین و کارآمد، دسترسی سریع و بهنگام به دادگستری است. اصل دسترسی سریع که از جمله اصول راهبردی حاکم بر عدالت آیینی تلقی می‌شود، در پی تسریع اجرای عدالت بوده و در بردارنده اصل استاندارسازی زمان دادرسی براساس فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) می‌باشد. اصل ۷ از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی و بند ۳ از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به این اصل اشاره دارند.

اگر چه کارکرد دادرسی (یعنی اجرای عدالت از طریق حل و فصل اختلافات) با تغییر و تحول فنون انجام آن دگرگون نشده ولی، با توجه به تأثیر پیشرفت فن‌آوری بر عرصه‌های مختلف زندگی، دادرسی و آیین آن در شرف تأثیر پذیری جدی از این نوآوری‌های فنی است. امروزه ناکارآمدی روش‌های مرسوم و سنتی ابلاغ اوراق قضایی، بایگانی پرونده‌ها و پرهزینه بودن آن‌ها، چالش‌های دسترسی به منابع اطلاعاتی مطمئن، بیم مفقود شدن اوراق و مدارک و اطاله دادرسی از یک طرف و امکان پیگیری از راه دور وضعیت پرونده و ارسال لوایح و غیره با استفاده از فن‌آوری‌های جدید به یکی از دغدغه‌های جدی نظام‌های حقوقی - قضایی تبدیل شده است (محسنی و رضایی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۲). در این راستا، استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات دارای اهمیت فراوانی در بهبود مدیریت دادگستری و عاملی در گسترش فرصت‌های جدید می‌باشد (Loveday, 2000, p. 23). قسمت اول بند ۳۸ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ در این زمینه مقرر می‌دارد: به منظور افزایش سرعت، صحت، کارایی و امنیت در ارائه خدمات حقوقی و قضائی و تحقق نظام جامع دادرسی الکترونیک، قوه قضائیه مکلف است برای توسعه الکترونیک اطلاعات و ارتباطات قوه قضائیه، مراکز و سازمان‌های وابسته نسبت به تکمیل و روزآمد کردن داده‌ها و اطلاعات مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه و توسعه خدمات این مرکز و استقرار کامل شبکه ملی عدالت اقدام کند.

علاوه بر کارکردهای کلان فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، می‌توان کارکردهای دیگری چون دسترسی به خدمات قضایی الکترونیکی، امکان دادرسی بر خط، استفاده از بایگانی الکترونیکی،

تبادل الکترونیکی اسناد دادرسی و ... را نام برد (Velicogna, 2007, p. 129). فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، را می‌توان شاخصی پویا در اندازه‌گیری کیفیت دادرسی دانست که به قوه قضاییه در ارائه خدمات قضایی کمک شایانی می‌کند (Fabri & Contini, 2003, p. 2). بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه حقوقی ابتدا در حوزه حقوق تجارت به کار گرفته شده و قانون تجارت الکترونیک مصوب سال ۱۳۸۲ به این موضوع پرداخت و آثار حقوقی در خور توجهی نیز در این خصوص تألیف گردید (ر.ک: السان، ۱۳۹۶) اما برای نخستین بار بحث فناوری اطلاعات در قوه قضاییه در دستورالعمل توسعه کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم افزار مدیریت پرونده قضایی پیش‌بینی و در سیاست‌های کلی قضایی پنجساله در سطح کلان مبنای قانونگذاری تکلیفی در قوانین برنامه پنجساله پنجم، ششم، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه و ... گردید. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در مقام پاسخ به این سوال است که چگونه می‌توان از فن‌آوری‌های نوین برای حصول عدالت قضایی بهره برد. هرچند در حوزه تجارت الکترونیک گامهایی برای استفاده از فن‌آوری‌ها برداشته شده بود و در قوانین اخیرالذکر نیز دولت الکترونیک از جمله در حوزه قضایی پیش‌بینی گردیده اما میزان تحقق عینی و عملیاتی آن در نظام داخلی، نیازمند الزامات، بسترسازی، آسیب‌شناسی و رفع موانع آن است که خود، پژوهش میدانی مستقلی را می‌طلبد. در این مقاله، پس از بررسی اجمالی زیرساخت‌های توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از جمله زیرساخت‌های حقوقی، توسعه و تجهیز الکترونیکی و زیرساخت‌های فنی (شماره ۱)، استفاده از این فن‌آوری‌ها در روابط داخلی و خارجی دادگاهها (شماره ۲ و ۳) به منظور بهبود دسترسی به دادگستری/عدالت، مورد مطالعه قرار می‌گیرد که این مقاله را از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه که اغلب به یک موضوع خاص مثل مدیریت پرونده قضایی (ر.ک: محسنی و رضایی نژاد، ۱۳۹۱)، تجارت الکترونیک (ر.ک: السان، ۱۳۹۶) و یا ابعاد کیفی (مهرافشان، ۱۳۹۰) پرداخته‌اند متمایز می‌سازد.

۱. زیرساخت‌های توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات

به منظور استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در جریان رسیدگی دادگاهها، باید اقداماتی اساسی در جهت اصلاح مقررات صورت پذیرد. علاوه بر این باید به توسعه و تجهیز الکترونیکی

پرداخته و زیرساخت‌های فنی برای پشتیبانی از تولید و تبادل داده‌های الکترونیکی و اسناد ایجاد گردد. در ادامه به طور مختصر، به تبیین این مسائل پرداخته خواهد شد.

۱-۱. زیرساخت‌های حقوقی

کاهش زمان دادرسی، تسهیل دسترسی به خدمات قضایی الکترونیکی، اعتباردهی و اصالت بخشی به اطلاعات قضایی و دادرسی در جریان رسیدگی از جمله بسترهای حقوقی می‌باشد که تغییر در این زیرساخت‌ها، مستلزم تغییر در هنجارها و آیین‌های رسیدگی است (Reidenberg, 2005, p. 1952). به عنوان مثال تغییر فرهنگ تشریفات مادی به تشریفات رایانه‌ای در نظام عدالت آیینی و یا تشکیل جلسه‌های دادرسی به صورت برخط نظیر ویدئو کنفرانس‌ها را می‌توان جلوه‌ای از تغییر در قواعد و مناسبات حقوقی نام برد.

در اروپا، به منظور استفاده از فن‌آوری‌های الکترونیکی به جای کاغذ، اصلاحات قانونی در جهت تغییر قوانین آیین دادرسی و مقررات قبلی وضع شده است. اقدامات بازیگران بین‌المللی در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. برای مثال، دستورالعمل‌های شورای اروپا، به وضوح نقشه راه کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌باشد. در سطح ملی، به منظور اجازه، تعدیل و در برخی موارد ایجاد امکان ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات از طریق ابزارهای الکترونیکی، قواعد جدیدی وضع شده یا قوانین و مقررات موجود اصلاح شده‌اند. به نظر می‌رسد این اصلاحات، دو رویکرد متفاوت را دنبال می‌کنند که بازتابی از فرهنگ حقوقی دولت‌های مختلف است. از یک طرف گرایش بر این است که تمام نکات مربوط به تراکنش‌های الکترونیکی دادگاه به طور جزئی و دقیق تنظیم شود و از طرف دیگر، در بسیاری از موارد مجموعه قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری به منظور اجازه تراکنش‌های الکترونیکی اصلاح شده و پیش‌نویس هرگونه قواعد خاص فنی احتمالی، توسط وزارت دادگستری تهیه می‌گردد (Fabri & Contini, 2003, p. 6). به ویژه در قاره اروپا، کشورهایی مثل ایتالیا و فرانسه راهبردهای سازمان یافته‌تری دنبال شده است. برای مثال در ایتالیا، مقررات وضع شده در خصوص دادرسی آنلاین مدنی مستلزم آدرس ایمیل تأیید شده، امضای دیجیتالی و رمزدار کردن پیام‌ها، ارتباط از طریق کانال‌های امن، فرستنده مرکزی که به پیام‌های رسیده برچسب زمان الکترونیکی بزند و ... می‌باشد. تنها زمانی که براساس قوانین وضع شده، اقدام شود، «اسناد

الکترونیکی» می‌توانند جایگزین نسخه‌های کاغذی اصلی بشوند.^۱ به عبارت دیگر، اگر این تشریفات رعایت نشود، اسناد باطل بوده و از درجه اعتبار ساقط‌اند.

در حقوق ایران بند ج ماده ۶۷ از قانون برنامه پنجساله ششم توسعه مقرر می‌دارد: «به منظور توسعه دولت الکترونیک و عرضه خدمات الکترونیکی و نیز توسعه و استقرار خزانه داری الکترونیکی و اصالت بخشیدن به اسناد الکترونیکی از جمله اسناد مالی و حذف اسناد کاغذی در هر موردی که به موجب قانون، تنظیم اوراق یا اسناد، صدور یا اعطای مجوز، اخطار و ابلاغ، مبادله وجه، اعلام و مانند آن ضروری باشد، انجام الکترونیکی آن با رعایت مفاد قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۷/ ۱۰/ ۱۳۸۲ معتبر بوده و کفایت می‌نماید.»

ملاحظه مقدمه آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی نیز نشان‌دهنده دغدغه مقنن ایرانی است. مفاد مقدمه آیین‌نامه مذکور مقرر می‌دارد که «... در راستای رفع اطاله دادرسی، تسریع در امور جاری محاکم و پیشگیری از وقوع جرم و با عنایت به اینکه در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی مدنی و جزایی و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، داده پیام مطمئن بر حسب نوع و محتوا در حکم نوشته، امضاء و اصل می‌باشد و نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود، خدمات قضایی در فضای مجازی به شرح مواد آتی ارائه می‌گردد...». ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری (ذیل بخش نهم تحت عنوان دادرسی الکترونیکی) نیز بر این امر تأکید می‌کند: در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری، سند، مدرک، نوشته، برگه اجرائیه، اوراق رأی، امضاء، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضائی، نشانی و مانند آن لازم باشد صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت ساز و کارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌های آن کافی و معتبر است.

۱-۲. توسعه و تجهیز الکترونیکی

به منظور کاهش هزینه‌ها و بهبود تجهیز امکانات، سه سناریوی متفاوت و تا حدی مغایر در زمینه طراحی، توسعه و به جریان انداختن فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) معمول شده است (Schmidt, 2007, p. 12). در برخی از کشورها، مثل هلند (Ibid)، تلاش برای توسعه یا حداقل نگهداری

۱. [www.datamat.it/files/documenti/1121098330083_en_OnLineCivilTrial_Eng06%20\(2\).pdf](http://www.datamat.it/files/documenti/1121098330083_en_OnLineCivilTrial_Eng06%20(2).pdf)

برنامه‌ها به صورت درون سازمانی است. مشکل این رویکرد، کمبود افراد ماهر در زمینه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در اداره دادگستری است (Ibid). دومین رویکرد، برون‌سپاری طراحی، توسعه و نگهداری از برنامه‌ها به یک یا چند متخصص است، در حالی که مالکیت سیستم برای اداره است. اشکال این رویکرد در این است که این امر ممکن است با وابسته کردن نظام قضایی به افرادی خارج از سازمان برای طراحی سیستم و کمک‌های فنی از جمله اعمال تغییرات پس از به مرحله اجرا درآمدن سیستم، باعث تضعیف نظام قضایی گردد (Ibid). علاوه بر این، عدم تقارن اطلاعاتی بین اداره و متخصصین برون سازمانی ممکن است به جای کاهش هزینه‌ها، منجر به افزایش رفتارهای فرصت‌طلبانه گردد. برخی دیگر از کشورها، فرایندهای سنتی خرید سخت‌افزار و نرم‌افزار را رها کرده و به جای آن قراردادهایی را امضاء می‌کنند که متخصصین فن آوری اطلاعات و ارتباطات به هزینه خود، سیستم‌ها را طراحی و توسعه داده و سپس به دولت اجاره می‌دهند (Ibid). این امر که در فنلاند و اخیراً در انگلستان و ولز صورت گرفته، دادگستری را از ریسک توسعه سیستم و مشکلات ناشی از پشتیبانی و تعطیلی موقت رها می‌سازد. اگرچه، حتی در این مورد نیز مشکل وابستگی به متخصصین، حداقل در طول مدت قرارداد، باقی می‌ماند (Ibid).

به منظور کاهش این مشکلات، در چندین کشور، دفاتر بخش عمومی که به طور خاص به تدارک و تجهیز سیستم برای سازمان‌های دولتی می‌پردازند، ایجاد شده است (Velicogna, CEPEJ Studies No. 7, p. 19).

در حقوق ایران، به استناد بند پ از ماده ۶۷ قانون برنامه ششم توسعه، دستگاههای اجرایی موظفند نسبت به الکترونیکی کردن کلیه فرآیندها و خدمات با قابلیت الکترونیکی و تکمیل بانکهای اطلاعاتی مربوط، تا پایان سال سوم اجرای قانون برنامه اقدام کنند. در این راستا دستگاههای اجرایی می‌توانند به منظور الکترونیکی کردن فرآیندها و خدمات از مشارکت بخش خصوصی استفاده نمایند.

۱-۳. زیرساخت‌های فنی

بسترهای فنی، متوجه پهنای باند رایانه‌ای و شاخص‌های توسعه و تجهیز الکترونیکی و آموزش مصرف‌کنندگان خدمات قضایی است. این زیرساخت‌ها به ویژه زیرساخت‌های شبکه، به عنوان ستون فقرات اتوماسیون اداری شمرده می‌شوند که به کاربران، اجازه دسترسی به پایگاه داده و انتقال

اطلاعات و اسناد را می‌دهد. در طول دهه نود میلادی و در آغاز هزار جدید، تمام کشورهای اروپایی اقدام به سرمایه‌گذاری در زمینه زیرساخت‌های شبکه برای امور قضایی کردند: شبکه محلی (LAN) در داخل دادگاهها و شبکه خصوصی مجازی^۱ برای ارتباط با دادگاهها و ادارات مرکزی. اگرچه در برخی موارد، این شبکه‌ها همراه با الزامات جهانی توسعه نیافته‌اند، امروزه بسیاری از دادگاهها در سراسر اروپا، دارای شبکه محلی خود هستند که متصل به شبکه گسترده اختصاصی است (مثل شبکه خصوصی مجازی) (Fabri & Contini, 2003, p. 5).

نتیجه این سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در حالی که برخی از دستگاههای قضایی از سرمایه‌گذاریشان در حوزه زیرساخت‌های فنی و شبکه منافع پایداری را به دست آورده‌اند (مثل فنلاند) برخی دیگر با پایان دادن به سیستم‌های گران، استفاده نشده و فرسوده شده، مطابق با نیازهای واقعی و ظرفیت‌های تبادل داده در سیستم‌های قضایی شان، سرمایه‌گذاری کرده‌اند (مثل فرانسه) (Velicogna, CEPEJ Studies No. 7, p. 19). تغییر در زیربنای فنی، بایستی توأم با توسعه زیرساخت‌های رایانه‌ای و احتیاط در حذف مناسبات کاغذی باشد تا احیاناً بهم ریختگی سامانه‌های قضایی، موجب تعطیلی دادرسی و یا تعرض به حریم خصوصی افراد را فراهم ننماید.

در همین راستا، بند «ی» از سند راهبرد و اهداف برنامه پنجساله قوه قضائیه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) با عنوان توسعه عدالت الکترونیک و در چهار بند به هوشمندسازی و کارآمدسازی نظام قضایی مبتنی بر به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات (بند ۱)، توسعه آمادگی سازمانی در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین کاربردی (بند ۲)، توسعه خدمات الکترونیک (بند ۳) و توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (بند ۴) به الکترونیکی نمودن دادرسی توجه نموده است.

۲. استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در داخل دادگاهها

دادگستری محصول مشترک عوامل متعددی است. برخی از این عوامل مثل کارکنان اداری و قضات در داخل دادگاه فعالیت می‌کنند، در حالی که عوامل دیگر چون وکلا، طرفین دعوی و شاهدان و نیز جامعه و نهادهای عمومی، زمینه فعالیت دادگاه‌ها را فراهم می‌کنند. فن آوری مورد بحث در این بخش، فن آوری مورد استفاده در داخل دادگاههاست. این فن آوری‌ها را براساس اصول

۱. Virtual private network

فنی، سازمانی و پیچیدگیشان می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه اول شامل، رایانه‌ها، نرم‌افزارهای واژه‌پرداز، صفحات گسترده، پست الکترونیکی داخلی و خارجی برای قضات و کارکنان اداری محاکم است.

گروه دوم، شامل فن‌آوری‌های پشتیبانی از فرایندهای اداری دادگاهها مثل ثبت مکانیزه و سیستم‌های مدیریت پرونده است. در نهایت، گروه سوم که شامل فن‌آوری‌های مورد استفاده برای پشتیبانی امور قضات نظیر بانکهای اطلاعاتی قوانین و آراء و نیز سیستم‌های پشتیبانی صدور رأی می‌باشد.

۲-۱. فن‌آوری‌های پایه

فن‌آوری‌های پایه عمدتاً شامل سخت‌افزار و نرم‌افزارهایی هستند که در راستای انجام وظایف اداری به ایجاد، گردآوری، ذخیره‌سازی، پردازش و ارسال اطلاعات مورد نیاز می‌پردازند. استفاده از این فن‌آوری‌ها طی دهه ۱۹۸۰ آغاز شد اما دولت‌های اروپایی در دهه ۱۹۹۰ به طور گسترده و نظام‌مند به تهیه تجهیزات و وسایل اداری برای دادگاهها پرداختند. برای مثال در بلژیک، در اوایل دهه ۸۰، رایانه‌های مجهز به نرم‌افزار واژه‌پرداز، به کارکنان دفاتر دادگاه واگذار شد (Dumortier, et al, 1999). اگرچه، دولت در اوایل دهه ۱۹۹۰، شروع به سرمایه‌گذاری جدی‌تری در زمینه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در دادگاهها، برای پوشش کل ساختار دادگاههای بلژیک کرد.

براساس این تجارب و شرایط مشابه در سایر کشورها، فن‌آوری‌های پایه به طور گسترده در دادگاههای سراسر اروپا مورد استفاده قرار گرفت. به طوری که از ۴۹ کشور عضو شورای اروپا، ۴۸ کشور از سال ۲۰۰۴، حداقل دارای فن‌آوری‌های رایانه‌ای پایه در دادگاهها بوده‌اند (CEPEJ, 2006, p. 68). اما نحوه استفاده از این فن‌آوری‌ها همچنان مشکل عمده بوده است. به ویژه در دوره‌های ابتدایی معرفی این برنامه‌ها، کارکنان تمایلی به استفاده از آنها نداشته یا اغلب قادر به استفاده نبوده‌اند. متأسفانه، توسعه این فن‌آوری‌ها زمانی که با اقدامات دیگری چون آموزش یا بازطراحی فرایندها و وظایف همراه نباشد، اغلب کارآمد نخواهد بود. سخت‌افزارها، گاه در بسته‌بندی اصلی خود بدون استفاده باقی می‌مانند (Velicogna, 2004). به عبارت دیگر، تهیه و استفاده فعال از فن‌آوری‌های پایه، شرط لازم برای امکان استفاده از سایر امکانات است. این امر به دوروش تحقق می‌یابد: نخست، استفاده از فن‌آوری‌های پایه، کارکنان دادگاهها را به شناخت نحوه به کارگیری

آنها و ادار می کند این امر زمانی اهمیت بسزایی دارد که دادگاهها از قابلیت بسیار پایینی در این زمینه برخوردارند. واقعیت این است که دادگاهها از رایانهها برای تهیه و چاپ اسناد و مدارک ساده، استفاده از پست الکترونیک برای مکاتبات غیررسمی و جستجو در اینترنت استفاده می کنند که این امر به تبادل اطلاعات منجر شده و به تدریج نیازمند نظامهای پیشرفته تر می باشد. دوم آنکه، استفاده از این فن آوریها، ممکن است نیازمند فن آوریهای دیگر باشند (Hanseth, et al, 1996, p. 412). برای مثال، بدون رایانه و ارتباط اینترنتی، یک قاضی نمی تواند به خدمات اطلاع رسانی حقوقی بر خط دسترسی داشته باشد.

به موجب دستور العمل توسعه کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم افزار مدیریت پرونده قضایی مصوب ۱۳۸۶ رییس قوه قضاییه، تمامی بخش های ستادی، سازمانهای تابعه و دادگستری های کشور موظف شده اند با توجه به لزوم استانداردسازی زیرساختهای حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در قوه قضاییه، به هنگام احداث ساختمانهای اداری و قضایی جدید، نسبت به ایجاد شبکه داده محلی (LAN) براساس استانداردهای شورای فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضاییه اقدام و از مرجع مذکور تأییدیه مکتوب اخذ کنند. در این راستا، اجرای زیر ساخت شبکه محلی (LAN) شامل کابل کشی و نصب و راه اندازی تجهیزات مرتبط، برقراری شبکه گسترده (WAN) در بستر مخابراتی، تأمین تجهیزات رایانه ای مورد نیاز دادگستری ها برای راه اندازی نرم افزار مدیریت پرونده قضایی و نرم افزار جامع اتوماسیون اداری، آموزش نرم افزار مدیریت پرونده قضایی، استقرار نرم افزار مدیریت پرونده قضایی، استقرار نرم افزار جامع و یکپارچه اتوماسیون اداری، اجرای طرح بایگانی الکترونیکی و الکترونیکی نمودن پرونده های قضایی را کد در راستای اجرای بند الف ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم در دستور کار قرار گرفت.

۲-۲. فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای کارکنان دادگاه

نقش کارکنان اداری دادگاه، انجام پاره ای وظایف است که از جمله شامل بررسی پروندهها و حفظ سوابق رسمی تمام موضوعات دادگاه تا اخطار رسمی می باشد. علاوه براین، کارکنان دادگاه نقش مهمی به عنوان رابط بر عهده دارند و همزمان واسطی بین قاضی و سایر عواملی هستند که در فرایند قضایی شرکت دارند. همانگونه که و کلامی دانند، فرایند قضایی بسیار پیشتر از رسیدن پرونده

به اتاق دادگاه آغاز می‌شود (Wallace, 2004, p. 40). کارکنان اداری دادگاه، مطابق با مجموعه قوانین آیین دادرسی و قوانین و مقررات مربوط، پرونده را ثبت و بایگانی می‌کنند. ابزارهای مختلفی به منظور پشتیبانی از دفاتر دادگاهها و خودکارسازی امور اداری به وجود آمده است. اولین گام در این راستا، خودکارسازی امور روزانه اداری محاکم بود. دفاتر ثبت دعاوی و دیگر دفاتر ثبت دادگاه که خودکار شده‌اند، از پایه‌های اصلی امور اداری دادگاه به شمار می‌آیند. این نظامها در عین رعایت دستورالعمل‌های قانونی، امکان دسترسی و مطالعه پرونده‌ها به صورت الکترونیک و بدون نیاز به دسترسی فیزیکی را فراهم می‌کنند (McMillan, 1995, p. 5). برخی از مزایای دفاتر مکانیزه، امکان ورود همزمان اطلاعات چندگانه، کاهش نیاز به ثبت مجدد اطلاعات مشابه و قابلیت بازیابی اطلاعات می‌باشند. در اجرای این امر، برخی از فعالیتها اکنون کاملاً خودکار شده‌اند. در بسیاری موارد، نیاز به ورود اطلاعات به صورت دستی، کاهش یافته است؛ به طوری که به شکل خودکار، برخی اطلاعات در پایگاه داده جمع‌آوری می‌شوند. همچنین قابلیت بازیابی اطلاعات نیز ارتقا یافته است. تفاوت این وضعیت با حالت سابق، زمانی آشکار می‌شود که طرفین پرونده و یا وکلای آنها بخواهند اطلاعاتی در مورد پرونده از منشی دادگاه استعلام کنند. با استفاده از دفاتر الکترونیک، منشی می‌تواند با فشار دادن چند دکمه صفحه کلید، اطلاعات مورد نیاز را ارائه کند و نیازی به جستجوی مطالب در میان انبوهی از برگه‌ها و پرونده‌ها نیست. همچنین نظامهای رهگیری پرونده،^۱ بوضوح گسترش یافته‌اند. امروزه این نظامها به طور رسمی در فعالیتهای دادگاهها وارد و کاملاً یکپارچه شده‌اند.

نظام مدیریت پرونده نیز، تحولی در عملکرد دادگاهها به شمار می‌آید. این نظامها برخلاف دفاتر مکانیزه، تنها به تهیه کپی الکترونیک از دفاتر ثبت کاغذی محدود نمی‌شوند و قابلیت‌هایی را برای کمک به مدیریت پرونده ارائه می‌کنند. برای مثال می‌توان به امکان اطلاع خودکار کارکنان دادگاه از وقایع مرتبط با یک پرونده مشخص نظیر مواعید جلسات رسیدگی، زمان دریافت استعلام و یا سایر وقایع آگاه می‌سازد یا برنامه‌هایی برای تعیین وقت دادرسی اشاره کرد.

نظام مدیریت پرونده با استفاده از اطلاعات ذخیره شده در پایگاه داده، به خودکارسازی رویه‌های دفتری دادگاهها کمک می‌کند. به طور نمونه، با استفاده از این برنامه، کاربران می‌توانند

به طور خودکار مدارک و اسناد استاندارد و اطلاعاتی نظیر اسامی طرفین دعوی، شماره دفتر ثبت عمومی و تاریخ را مستقیماً از پایگاه داده‌ها استخراج کنند. برخی از نظامها، با نرم افزارهای واژه پرداز تلفیق شده‌اند و کاربر را قادر می سازند تا چارچوب اطلاعات را نیز تغییر دهد. در اغلب موارد، این اسناد چاپ و امضا شده‌اند و از طریق پست الکترونیک یا دیگر وسایل مخابراتی، ارسال می شوند. به موجب دستور العمل توسعه کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم افزار مدیریت پرونده قضایی مصوب ۱۳۸۶ رییس قوه قضاییه، هدف اصلی استقرار این نرم افزار عبارت است از:

- افزایش سرعت، دقت، صحت و شفافیت در فرآیند دادرسی؛
- وجوه بانک اطلاعات مرکزی برای پیشینه همه پرونده های قضایی کشور؛
- تعیین وضعیت سجل قضایی اشخاص با دانستن اطلاعات پایه؛
- ارزیابی وضعیت رسیدگی به پرونده های مختلف در سراسر کشور؛
- کاستن مراسلات و مکاتبات کاغذی از نظام قضایی و اداری؛
- رعایت کمال حفاظت اطلاعاتی در حفظ و انتقال موارد قضایی؛
- امکان نظارت سلسله مراتبی و مستقیم بر جایگاه های سازمانی قوه قضاییه؛
- امکان پاسخگویی به مردم از طریق تماس با شبکه های الکترونیکی؛
- دریافت انواع گزارش های دوره ای، موردی، مقایسه ای یا تطبیقی؛
- صرفه جویی کلان در هزینه های رسیدگی به پرونده ها بر اثر افزایش دقت و سرعت؛
- امکان تهیه تحلیل ها و گزارش های تجمعی و مقایسه ای در مورد احکام صادره؛
- امکان تعیین کارکرد خارج از استاندارد و یا روال مرسوم در امر قضاء؛
- کسب اطلاع مقایسه ای از میزان کار ارجاعی به محاکم مختلف؛
- فراهم آوردن زمینه های پژوهش جرم شناسی بر حسب مناطق جغرافیایی، جایگاه اجتماعی، و جمعیت شناسی؛

- ارتقای پژوهش بر مبنای اطلاعات کارکرد محاکم و ویژگی های پرونده؛
- اطلاع رسانی در مورد طرح دعاوی تکراری در مراجع قضایی متعدد؛
- تسریع در برقراری ارتباط مراجع قضایی با سایر سازمان های تابعه؛
- امکان انتشار آرای مراجع مختلف قضایی و قانونی برای بهره برداری مجامع علمی و قضات.

براساس این دستورالعمل تمامی واحدهای قضایی که نرم افزار مدیریت پرونده قضایی در آن‌ها استقرار یافته است، موظفند نسبت به جمع آوری دفاتر شعب از قبیل ثبت عرایض، اندیکاتور، تعیین وقت، بازداشتی و دادنامه اقدام نمایند و پس از آن، گزارش‌های آماری استخراج شده از این نرم افزار، ملاک عمل خواهد بود.

ابزارهای متعددی برای استخراج خودکار اطلاعات آماری از دفاتر ثبت اتوماتیک موجود در نظام مدیریت پرونده و نیز نظامی برای خودکار کردن ارجاع پرونده به شعب، توسعه یافته و به نظامهای مدیریت پرونده، اضافه شده‌اند. این امر بویژه در کشورهایی که با مشکلات ناشی از عدم شفافیت (تقلب، ارتشا و مانند آنها) مواجه هستند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای نمونه در اسلواکی، برنامه‌ای برای ارجاع تصادفی^۱ پرونده‌ها اجرا می‌شود. این نظام در سال ۱۹۹۹، به صورت نمونه آغاز به کار کرد. اکنون تمامی دادگاههای اسلواکی باید براساس قانون، پرونده‌ها را به طور تصادفی به قضات ارجاع دهند که این امر امکان دخالت‌های اشخاص را کاهش می‌دهد و از ایجاد شبهه در امر ارجاع، در آن کشور جلوگیری می‌کند (Velicogna, CEPEJ Studies No. 7, p. 15). شواهد نشان می‌دهند که این نظام نه تنها شفافیت، بلکه کارایی خدمات را نیز افزایش داده و از تأخیر در ارائه اطلاعات در مورد پرونده می‌کاهد؛ به طوری که پس از تشکیل پرونده، قاضی مربوط تعیین می‌شود.

علاوه بر نظامهای دفاتر مکانیزه و نظامهای مدیریت پرونده که رایج‌ترین مصادیق استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در دادگاهها به شمار می‌آیند، برنامه‌های دیگری نیز در ارتباط با فرایندهای دادگاهها اجرا شده‌اند. برخی از آنها دارای ماهیت راهبردی هستند. برای مثال، اطلاعات مدیریت و گزارشهای آماری، نقش مهمی در مدیریت کارآمد دادگاهها ایفا می‌کنند. برای این منظور، نظامهای مدیریت دادگاهها و یا حداقل نظامهای آماری، توسعه یافته‌اند. همچنین دادگاهها با حجم قابل توجهی از تراکنشهای مالی مانند هزینه‌های دادرسی، جریمه‌ها و مانند آن سر و کار دارند و نیز اموری مانند تأمین و تدارک کالاها و ملزومات و استخدام کارکنان را انجام می‌دهند. از این رو در بسیاری از کشورها، نظامهای اطلاعاتی برای تسهیل این گونه امور ایجاد شده‌اند. به عنوان

۱. Random allocation

نمونه، در ایرلند، سیستم حسابداری دادگاه^۱ در برخی دادگاهها به صورت آزمایشی راه اندازی شده است (Irish Courts Service, 2006, p. 31).

۲-۳. فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای قضات

تلاشهای گسترده‌ای برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کمک به قضات در انجام وظیفه خطیر صدور رأی انجام شده است. تسهیلات فناوری اطلاعات، به قاضی کمک می‌کنند تا بتواند با استفاده از اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر، تصمیمهای بهتری اتخاذ کند.

فناوری در حیطه‌های مختلفی چون سازماندهی اطلاعات و رویه‌ها، تهیه اسناد و مدارک و تصمیم‌گیری، از فعالیت قضات پشتیبانی می‌کند. یکی از مهمترین فعالیتهایی که تحت تأثیر به کارگیری فناوری می‌باشد، جستجوی قوانین است. ابزارهای مختلفی اعم از لوحهای فشرده، پایگاه داده‌های داخلی و خدمات اینترنتی، دسترسی به قانون اساسی، قوانین موضوعی، آرای استینافی، مقررات و امثالهم را ممکن می‌سازند.

ابداع مهم دیگر، استفاده از پست الکترونیکی و سایر ابزارهای ارتباطی الکترونیک برای تبادل اسناد و مدارک الکترونیک می‌باشد. اگرچه استفاده از پست الکترونیک در میان قضات در سراسر اروپا رواج یافته است، در بیشتر موارد از آن به عنوان یک ابزار غیررسمی ارتباطات استفاده می‌شود. علت این امر آن است که در بسیاری از کشورها (برای مثال بلژیک، فرانسه یونان و ایتالیا)، براساس قانون، برای ارتباطات رسمی باید از پست الکترونیک گواهی شده و امضای دیجیتال استفاده شود (Fabri & Contini, 2003, p. 12). در بسیاری از کشورها، این الزامات فراهم نشده است و در چندین کشور (بلژیک و ایتالیا)، تنها پروژه‌های آزمایشی در حال اجرا می‌باشند (Ibid).

تلاشهای دیگری برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای پشتیبانی از صدور رأی توسط قضات انجام شده است. هدف از این برنامه‌ها، ارتقای کیفیت و تناسب آرا و کمک به قضات برای صدور احکام متقن و مستدل بوده است. یکی از مثالهای موفق در این زمینه، نظام اطلاعات صدور حکم برای دادگاه عالی دادگستری اسکاتلند می‌باشد (Scottish summary Justice Review Committee, 2004, p. 208). این سیستم به قضات اجازه می‌دهد تا از نظامهای اطلاعاتی، برای دستیابی سریع و آسان به احکام صادر شده در دادگاه در موارد مشابه قبلی و سایر اطلاعات مربوط بدون

۱. Court Accountings system (CAS)

هیچ‌گونه محدودیت رسمی، در صدور رأی استفاده کنند (Ibid). با این حال به طور کلی توسعه چنین سیستم‌هایی با مشکلات جدی روبه‌روست، که به احتمال زیاد مربوط به ماهیت و پیچیدگی وظایف در مقایسه با قابلیت کنونی فناوریهاست. تجربه نظام‌های قضایی مختلف نشان می‌دهد تصمیم‌گیری قضایی طیف وسیعی از مهارت‌های صدور رأی را در برمی‌گیرد (Taruffo, 1998, p. 316). پیچیدگی، تنوع، انعطاف‌پذیری و صلاحدید که نمونه‌ای از ویژگی‌های آرای قضایی هستند، به راحتی از عهده سیستم‌های خودکار کامپیوتری بر نمی‌آید (Ibid). از این رو ایجاد برنامه‌های پشتیبانی تصمیم، فقط در برخی موارد ساده ممکن بوده است و در این موارد هم مشارکت و نظارت قضات و سایر عوامل انسانی، اجتناب‌ناپذیر است.

۳. استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در روابط بین دادگاهها، طرفین و عموم

این بخش، در خصوص تبادل اطلاعات قضایی بین دادگاهها و طرفین دعوی و عموم مردم می‌باشد. کلیه کشورهای اروپایی، به منظور ترویج استفاده از داده‌های الکترونیکی و انتقال اسناد، تلاش‌هایی را برای بهبود روانی و سرعت خدمات و ارتباط بین دادگاهها و کاربران آنها انجام داده‌اند. قانون فنلاند در رابطه با خدمات الکترونیکی و ارتباطات در بخش عمومی ۲۰۰۳/۱۳ به وضوح به چنین تلاشی تصریح کرده است. در قانون و رویه کشورهای دیگر نیز اسناد مشابهی را می‌توان یافت.

به منظور تجزیه و تحلیل بهتر این امر، بین ارائه الکترونیکی اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی رسمی باید قائل به تمیز شد. به عبارت دیگر، فناوری اطلاعات و ارتباطات را باید در دو حوزه اطلاعات سازمان قضایی و ارتباطات سازمان قضایی مدنظر قرار داد.

۳-۱. ارائه الکترونیکی اطلاعات

تبادل اطلاعات عبارت از انتقال داده‌های ذخیره شده بین دو شخص (حقیقی یا حقوقی) با ابزارهای مجازی و از طریق سیستم رایانه‌ای است (Burrows, 2008, p. 5). به دلایل مختلف، قالب الکترونیکی مدارک و سوابق بسیار مفید است: اول اینکه انتقال الکترونیکی اطلاعات بسیار سریعتر از ارسال پستی یا ابلاغ از طریق مامور انجام می‌شود. دوم اینکه، جستجوی اطلاعات در رایانه بسیار راحت‌تر از گشتن به دنبال آنها در بایگانی نامنظم دفاتر شعب دادگاه است. سوم اینکه بایگانی انواع

اطلاعات و سوابق به صورت الکترونیکی، بسیار ارزان و مدیریت سوابق بایگانی شده بسیار آسان است. البته تنها در صورتی می توان دادرسی الکترونیکی را (در قالب رسیدگی قضایی، داوری و ...) مجاز دانست که از دسترسی طرفین دعوا و مرجع رسیدگی به ابزارهای مناسب ارتباط الکترونیکی اطمینان حاصل شود (السان، ۱۳۹۱، ص ۲۵۸).

نظام دادرسی، به منظور تسریع در ارائه خدمات قضایی و بهینه سازی مدیریت نهاد قضایی، نیازمند ایجاد سامانه های الکترونیکی از قبیل سامانه اتوماسیون اداری و یا سامانه های تبادل بین سازمانی^۱ است. اینکه استعمال وضعیت ثبتی ملکی در دعوی الزام به تنظیم سند رسمی، به جای اعمال شیوه سنتی، از طریق استعمال الکترونیکی صورت گیرد و یا اینکه استعمال هویت، از محل ذخیره داده های هویتی اشخاص و به صورت برخط صورت گیرد و یا اموری از این دست، بازتاب نقش ابزارهای الکترونیکی در کارآمدی نظام دادرسی است. ایجاد پایگاه اطلاعات هویتی (بند دال ماده ۴۶ از برنامه پنجم توسعه)، استقرار پایگاه اطلاعات حقوقی املاک از طریق حد نگاری (بند ۱ قسمت و ماده ۴۶)، الکترونیکی نمودن کلیه نقل و انتقال املاک (بند ۲ از قسمت و ماده ۴۶) لزوم استعمال های قضایی الکترونیکی (قسمت م ماده ۲۱۱) و لزوم بایگانی الکترونیکی (بند ۳ از قسمت ج ماده ۲۱۱) را می توان نموده های اصل مدیریت تغییر در دادگستری از وضع سنتی به وضع الکترونیکی دانست. بند الف ماده ۱۱۷ برنامه ششم توسعه نیز قوه قضائیه را مکلف کرده است تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه سامانه ای الکترونیک ایجاد نماید که امکان پاسخگویی فوری و برخط به استعلامات مورد نیاز مراجع قضائی ذی صلاح در خصوص اموال اشخاص محکوم علیهم به طور متمرکز از طریق دسترسی برخط به کلیه بانکهای اطلاعاتی اموال اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم علیهم فراهم شود تا توقیف اموال مزبور به سرعت و سهولت انجام گیرد. تبادل الکترونیکی اطلاعات ذخیره شده قضایی در بین سازمان های قضایی و سایر سازمان ها، موجب سازمان یافتگی دادگستری، افزایش عقلانیت قضایی و درونی کردن هزینه های منفی دادرسی می شود.

در حوزه دادرسی، تبادل اطلاعات دادرسی به لحاظ حفظ حریم خصوصی اصحاب دعوی، از حساسیت ویژه ای برخوردار است. جهت اعتبار بخشیدن به فرایند تبادل اطلاعات دادرسی، به فراخور

۱. Inter – Organisation system (IOS)

گسترده‌گی پهنای باند اینترنتی و روزآمد کردن تأمین امنیت شبکه‌های الکترونیکی، قانونگذاران بسیاری از کشورها، از جمله ایران و فرانسه، اقدام به پیش‌بینی سیستم شناسایی هویت اطراف دادرسی^۱ با توجه به شماره بایگانی پرونده‌ها، امضای الکترونیکی و ایجاد سیستم کد رهگیری پرونده‌ها نموده‌اند. البته خط‌مشی‌های غیرمستقیم نیز از جمله یک طرفه بودن تبادل اطلاعات از مرجع قضایی به کاربران و انتقال اسناد و مدارک پرونده قضایی از کاربران به سیستم قضایی با واسطه دفاتر خدمات قضایی - که تحت کنترل نظام عدالت مدنی است - و مهمتر از همه توافقی بودن^۲ به کارگیری شیوه‌های تبادل اطلاعات خصوصی دادرسی، اعتبار تبادل اطلاعات را تأیید می‌کند. در بند ۱ و ۱۷ از اصل ۵ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی نیز بر امکان به کارگیری وسایل ارتباطی سریع اشاره شده است. به موجب این اصل، اصحاب دعوی به استناد قرارداد و با اجازه دادگاه، می‌توانند از شیوه‌های ارتباطی سریع از قبیل تبادل الکترونیکی، استفاده نمایند.

گسترده‌ترین روش ارائه الکترونیکی اطلاعات، استفاده از وب‌سایت‌های اینترنتی است. در اروپا، تمهیدات اطلاع‌رسانی از طریق وب‌سایت توسط دادگاهها، بسیار متفاوت است. در برخی موارد، سازمان اطلاع‌رسانی از طریق وب‌سایت در دادگاههای عالی، وزارت دادگستری و شورای عالی قضایی متمرکز شده است. در موارد دیگر، ارائه اطلاعات در چارچوب مشترکی صورت می‌گیرد. در نهایت، در برخی موارد، آزادی کامل و اقدامات محلی حاکم است. برای مثال در اتریش، هر دادگاهی وب‌سایت مخصوص به خود ندارد و اطلاعات مربوط به دادگاهها تنها از طریق وب‌سایت رسمی وزارت دادگستری در دسترس است (Fabri, et al., 2000, p. 7). در هلند، شورای قضایی، امکان دسترسی به اطلاعات دادگاهها، سازمان قضایی، عملکردها و روند رسیدگی را در خصوص موضوع فراهم می‌کند و اقدامات بسیار محدودی به دادگاهها اعطا می‌شود (Velicogna, et al., 2006, p. 378). در

۱. بند ۶ از ماده ۷۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «جهت تضمین امنیت و محرمانگی مستندات و اطلاعات دادرسی که از طریق شیوه تبادل الکترونیکی مبادله می‌گردند و به منظور شناسایی هویت اصحاب دعوی، ذخیره اطلاعات ارسالی و یا دریافتی و نیز، تعیین تاریخ آن‌ها، وزارت دادگستری مکلف است تا طی دستورالعمل مربوطه، جریان فنی فناوری اطلاعات و ارتباطات را تحت کنترل داشته باشد».

۲. ملاحظه فرم دادخواست‌هایی که از سوی دادگستری جمهوری اسلامی ایران (به شماره ۲/۱۲۹۶/۱/۲۴/۲۲۰۱/اداره کل تشکیلات و برنامه ریزی) در اختیار مصرف کنندگان خدمات قضایی قرار می‌گیرد، حاوی دو عبارت در زیر آن است. عبارت نخست با عنوان «توجه ۱» مقرر می‌دارد: «در صورتی که خواهان تمایل داشته اوراق قضایی به صورت پست الکترونیکی یا از طریق تلفن یا نمابر به وی ابلاغ شود، در پایان شرح دادخواست، با ذکر دقیق شماره‌های مربوط اعلام نماید؛ تا ابلاغ هر چه سریع‌تر صورت گیرد».

سایر کشورها مثل بلژیک و فرانسه، هر دادگاهی با پیروی از راهنمایی منتشر شده توسط وزارت دادگستری، می‌تواند وب سایت مخصوص به خود را ایجاد کند (Fabri, et al., 2000, p. 128).

اطلاعات ارائه شده توسط وب سایت‌های قضایی، با توجه به محتوای آن‌ها می‌تواند به چهار گروه تقسیم شود: اطلاعات عمومی، اطلاعات در مورد تشکیلات دادگاه و فعالیت‌های آنها، اطلاعات حقوقی و اطلاعات پرونده (Velicogna, et al., 2006, p. 381).

در حقوق ایران، به موجب مواد ۶۵۳ و ۶۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری (ذیل بخش نهم - دادرسی الکترونیکی)، قوه قضائیه موظف شده است اطلاعات زیر را از طریق «درگاه ملی قوه قضائیه» ارائه کرده و آنها را روزآمد نگه دارد:

الف - اهداف، وظایف، سیاست‌ها، خط مشی‌ها و ساختار کلان مدیریتی و اجرایی قوه قضائیه به همراه معرفی مسئولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان

ب - نشانی، شماره تماس و پیوند به تارنمای (وب سایت) تمامی معاونت‌ها و دادگستری‌های استانها، دستگاههای تابعه قوه قضائیه، وزارت دادگستری، کانون‌های وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی دادگستری

پ - کلیه قوانین لازم‌الاجراء، آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور و آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بخشنامه‌های رئیس قوه قضائیه و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه

ت - آراء صادره از سوی محاکم در صورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص

ث - خدمات معاضدت قضائی به مقامات ذیصلاح سایر کشورها بر پایه اسناد و معاهده‌های همکاری حقوقی بین‌المللی و اطلاعات راجع به خدمات حقوقی و قضائی به اتباع سایر کشورها

ج - آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان

چ - اطلاعات پژوهشی و علمی حقوقی - قضائی

همچنین قوه قضائیه موظف شده است برای دادگستری استانهای سراسر کشور، و دستگاههای تابعه قوه قضائیه، تارنمای (وب سایت) اختصاصی راه اندازی کند و مراجع مزبور نیز موظف به ارائه اطلاعات زیر و روزآمد نگه داشتن آنها شده‌اند:

الف - نمودار تشکیلاتی دادگاهها، به تفکیک تخصص و سلسله مراتب قضائی، به همراه معرفی مسؤولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان

ب - نشانی و شماره تماس دادگاهها، سایر دستگاههای تابعه قوه قضائیه و مراجع انتظامی در سطح استان

پ - پیوند به تارنماهای سایر مراجع قضائی و دستگاههای ذی ربط

ت - کلیه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه هزینه دادرسی، مانند بهای منطقه‌ای املاک

ث - آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان

ج - سمینارها یا نشستهای الکترونیکی استانی قضائی زنده یا ضبط شده

چ - اطلاعات پژوهی و علمی حقوقی - قضائی

۳-۲. ارتباطات الکترونیکی رسمی

در دهه‌های گذشته، ادارات قضایی اروپا، امکان ارائه خدمات الکترونیکی در دادگاهها را مورد بررسی قرار داده و امکانات خاصی برای پرداخت الکترونیکی جریمه، بایگانی الکترونیکی، شیوه‌های الکترونیکی اطلاع‌رسانی و ارتباط با وکلای مدافع و طرفین و دادرسی الکترونیکی کامل در نظر گرفته شدند. بسیاری از کشورها، پروژه‌های آزمایشی آغاز کرده‌اند. هدف این پروژه‌ها، تغییر اساسی زیرساخت‌های مبتنی بر کاغذ به منظور بهبود و افزایش دسترسی به دادگستری و کاهش هزینه‌های دادگستری (از نظر زمان، منابع و هزینه) برای طرفین دعوی و نمایندگان حقوقی آنها می‌باشد. (Velicogna, 2007, p. 142).

در دادگستری‌های الکترونیک، وکلا با استفاده از رایانه می‌توانند در محل کار، خانه و حتی سفر، به طور الکترونیکی به ثبت دعوا، دریافت اطلاعات الکترونیکی، دانلود اسناد و مدارک الکترونیکی مربوط به پرونده، اطلاع از زمان تشکیل جلسه دادرسی، پیگیری پرونده و ... بپردازند. تبادل الکترونیکی اسناد قضایی را قانونگذار ایران در بند ط از ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه، موجب توسعه دسترسی به عدالت قضایی معرفی نموده و در همین زمینه اشکال مختلف تبادل نیز در بند ج از ماده ۴۸، نمونه‌وار، بیان شده است.

در دادرسی الکترونیکی معمولاً سه شیوه دنبال می‌شود: انتخاب آیین‌های دادرسی ساده، ساده‌سازی آیین دادرسی و دادرسی‌های کاملاً بر خط.

۳-۲-۱. انتخاب آیین‌های دادرسی ساده

نخستین رویکرد برای مقابله با پیچیدگی طراحی و اجرای تبادل الکترونیکی اسناد الکترونیکی رسمی، تمرکز بر شیوه‌های ساده است. هدف ساده کردن کار با تمرکز بر شیوه‌هایی است که مشخصه آن‌ها آیین‌های دادرسی ساده و تعداد زیاد پرونده است. این شیوه، در انگلستان و ولز در خصوص دعاوی پولی آنلاین (MCOL)^۱ ایجاد شد. با استفاده از این سیستم، ادعاها و پاسخ‌ها به دادگاه می‌توانست به صورت الکترونیکی از طریق اینترنت صورت بگیرد.^۲ دعاوی پولی، عموماً دعاوی ساده و یک شکل هستند. علاوه بر این، به منظور شروع یا اقدام به طرح دعاوی الکترونیک، باید شرایطی برای کاهش پیچیدگی در نظر گرفته شود. خواننده از طریق پست، از دعوی که علیه او مطرح شده است آگاه می‌شود و تصمیم می‌گیرد که از طریق این سرویس آنلاین و یا از شیوه جایگزین یعنی بسته پاسخ^۳ استفاده کند. در هر مرحله‌ای از دادرسی، اگر نیاز به ساده‌سازی آیین دادرسی در مورد پرونده رد شود، در پرونده مذکور، به جای شیوه الکترونیکی، شیوه سنتی کاغذی اعمال خواهد شد. این شیوه با این که به تعداد زیادی از کاربران دادگاه ارائه خدمات می‌کند، با انتخاب فضای کاربردی تقریباً ساده، پیچیدگی این فناوری و در نتیجه مشکلات ناشی از توسعه و استقرار آن را کاهش می‌دهد (Kallinikos, 2006, p. 7).

۳-۲-۲. ساده‌سازی آیینی

شیوه دوم که تا حدودی مرتبط با شیوه اول است، معطوف به ساده‌سازی پیچیدگی قواعد و آیین‌های دادرسی مربوط به تبادل اسناد است. برای مثال، در فنلاند در طول مطالعاتی که در خصوص طرح قانون آیین دادرسی مدنی جدید صورت می‌گرفت، تشخیص داده شد که مانع اصلی برای تبادل رسمی اسناد الکترونیکی، از الزامات رسمی ارائه اسناد ناشی می‌شود (Kujanen, 2004, p. 4). با توجه به این امر، قانون آیین دادرسی مدنی که در سال ۱۹۹۳ لازم‌الاجرا گردید، اجازه استفاده از پیام‌های الکترونیکی را برای ابلاغ مقرر کرده و همزمان، نیاز به استفاده از اسناد اصلی مکتوب را به

۱. Money claim online (Mcol)

۲. <http://www.hmcourts-service.gov.uk/onlineservices/mcol/index.htm>.

۳. Response pack

حداقل رساند. با توجه به قانون خدمات الکترونیکی قضایی فنلاند،^۱ درخواست احضار،^۲ پاسخ و سایر اسناد مشابه ممکن است به دادگاه حقوقی و یا به شخصی که توسط دادگاه برای دریافت اسناد معین شده است، همچنین توسط تلفکس یا پست الکترونیکی صورت بگیرد.^۳ بنابراین، درخواست احضار ممکن است توسط خواهان به ثبت دادگاه بخش داده شود یا از طریق پست الکترونیک و فکس صورت بگیرد. این درخواست باید مشتمل بر نام دادگاه، نام خواهان و خوانده، وکلا، شهود و نیز اطلاعات قراردادی باشد. در این درخواست، خواهان توضیح می‌دهد که از خوانده چه می‌خواهد.^۴ همچنین قرارداد یا سایر توافق‌نامه‌هایی که خواسته مبتنی بر آن می‌باشد، مطابق با اصل ارزیابی آزاد مدارک باید منضم به درخواست شود.^۵ اسناد الکترونیکی در بسیاری از موارد به عنوان دلیل و مدرک همانند اسناد کاغذی یا شهادت شهود دارای اعتبار هستند.

در حقوق ایران، آیین دادرسی مدنی همگام با پیشرفت فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات توسعه یافته است. شاهد مثال را باید بند ب از ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه بیان داشت. به موجب این بند، سند الکترونیکی در حکم سند کاغذی است، مشروط بر آنکه اصالت صدور و تمامیت آن محرز باشد. ماده ۶۵ از لایحه آیین دادرسی تجاری نیز سند را اعم از سند مکتوب یا الکترونیکی معرفی نموده است و در تبصره ماده ۵۹ از همین لایحه اشاره شده است که اگر مستند دعوای تجاری، سند الکترونیکی باشد. نیازی به تأدیه تأمین یا تضمین خسارات احتمالی نیست. ماده ۶ از قانون تجارت الکترونیک ایران نیز عطف به بند الف از ماده ۲ در رابطه با تعریف داده پیام،^۶ اشعار می‌دارد که «هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده پیام در حکم نوشته است». بنابراین داده پیام با هرگونه مضمونی که داشته باشد، از قبیل امضای الکترونیکی، سند الکترونیکی و جز آن، دارای اعتبار و صحت استنادی است.

۱. 594/1993, amended by 199/1998.

۲. Application for a summons

۳. 594/1993, amended by 199/1998 Section 1, Part.1.

۴. <http://www.oikeus.fi/15955.htm>.

۵. Ibid.

۶. «داده پیام (Data Massage) هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسائل الکترونیکی، نوری و یا فناوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود».

در فرایند ساده‌سازی آیینی، ثبت دادخواست، تبادل اطلاعات و اسناد دادرسی، گزارش مستمر وضعیت پرونده‌ها، پست الکترونیکی، سیستم استعلامات و سایر موارد از طریق ابزارهای از راه دور همچون رایانه، ماهواره، تلفن، نامبر و تلگراف صورت می‌گیرد. در این حالت، ابتدا کاربر، با ورود به درگاه اینترنتی و از طریق پایگاه خدمات قضایی الکترونیکی اقدام به ثبت دادخواست و ضامته آن از طریق گزینه پیوست می‌نماید. این مرحله می‌تواند با نظارت سیستم قضایی صورت پذیرد. مثل دفاتر خدمات قضایی در ایران که قوه قضائیه از طریق پیش‌بینی دفاتر یاد شده، به بررسی اوراق دادخواست و سایر شرایط شکلی آن می‌پردازد. ثبت دادخواست منوط به امضای الکترونیکی^۱ خواهان است. به همین منظور، خواهان باید قبلاً در پایگاه امضای الکترونیکی^۲ سابقه امضای مطمئن^۳ داشته باشد.

بعد از مرحله ثبت دادخواست، کد رهگیری پرونده در همه مراحل دادرسی لازمه ورود خواهان به سیستم قضایی محسوب می‌شود. در واقع کد رهگیری بیانگر ذی‌سمت بودن شخص نیز می‌باشد.^۴ دبیرخانه الکترونیکی نظام قضایی، اقدام به کنترل، تعیین صلاحیت قضایی و ارجاع آن نموده و بدین ترتیب، امکان ابتکار عمل اصحاب دعوا در قبال یکدیگر و نظام قضایی از یک سو، و ابتکار عمل نظام قضایی در خصوص پرونده مطروحه، از سوی دیگر میسر می‌گردد (Zheng, 2007, p. 7).

۱. تجارت الکترونیک ایران در بند ۱ از ماده ۲، به تبعیت از قانون نمونه آنستیرال راجع به امضاهای الکترونیکی (۲۰۱)، مقرر می‌دارد که «امضای الکترونیکی عبارت از هر نوع علامت منضم به داده پیام است». باید گفت که تفاوت ظریفی بین امضای دیجیتالی و امضای الکترونیکی وجود دارد. بدین معنی که امضای دیجیتال، احض از امضای الکترونیکی بوده و به لحاظ فنی ایمن تر است.
۲. ماده ۳۱ از باب دوم قانون تجارت الکترونیکی ایران با عنوان دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی، مقرر می‌دارد که «دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی واحدهایی هستند که برای خدمات صدور امضای الکترونیکی، در کشور تأسیس می‌شوند. این خدمات شامل تولید، صدور، ذخیره، ارسال، تأیید، ابطال و به روز نگهداری گواهی‌های اصالت (امضای) الکترونیکی می‌باشد». ماده ۳۲ نیز ضوابط تأسیس دفاتر مزبور را پیش‌بینی نموده است.
۳. امضای الکترونیکی مطمئن غیر از امضای عادی است. بدین توضیح که در امضای الکترونیکی مطمئن، از طریق فرایند رمزنگاری یا فناوری بیومتریکی، اعتبار آن محرز است. فرایند رمزنگاری به معنای رمزنگاری پیام با کلید خصوصی (private key) و رمزگشایی آن از طریق کلید عمومی (public key) است. در روش بیومتریکی نیز شخص کاربر با استفاده از خودکار مخصوص، بر روی صفحه نمایش رایانه و یا یک صفحه دیجیتالی امضاء می‌نماید. رضایی، علی، اصول بنیادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیک آنستیرال، مجله پژوهشهای حقوقی، شهر دانش، شماره ۱۷، ۱۳۸۹، ص ۷۴ و ۷۵.
۴. خواهان می‌تواند از طریق پایگاه قضایی شبکه‌ای به نمونه فرم‌ها، اطلاعات جغرافیای قضایی، سامانه اطلاعات اوقات قضایی، بانک قوانین و مقررات و اموری از این دست دسترسی داشته باشد.

اصحاب دعوا وارد پایگاه مربوطه شده و بعد از ثبت کد رهگیری، به خدماتی نظیر اطلاع از آخرین وضعیت پرونده، ثبت لایحه جدید، محاسبه هزینه‌های دادرسی، اخذ مشاوره اینترنتی از پایگاه مربوطه، دسترسی دارند. نظام قضایی نیز با دسترسی به شبکه ملی اطلاعات و سایر شبکه‌های حاوی داده‌های مفید، ابتدا اقدام به پایش درون سازمانی در نظام استعلامات الکترونیکی، بایگانی هوشمند اطلاعات شبکه قضایی کشور و یا نظارت الکترونیکی بر حوزه‌های اداری و قضایی نموده و سپس اصحاب دعوا را از جریان فعالیت‌های نظام قضایی جهت تدارک دفاع یا موضع‌گیری‌های مقتضی آگاه می‌دارد (Hornle, 2009, p. 213).

با نگاهی به قوانین نمونه در سطح بین‌المللی^۱ و مطالعه حقوق تطبیقی^۲ می‌توان به این نتیجه رسید که نظام‌های دادرسی سنتی، صرفاً در فرایند آیین دادرسی، فناوری‌های جدید را پذیرا شده‌اند. اما در نظام‌های جایگزین حل اختلاف، نظیر داوری بر خط، جلسه دادرسی نیز به صورت گپ اینترنتی یا سیستم کنفرانس بصری برگزار می‌گردد (حبیبی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۹).

۳-۲-۳. رسیدگی‌های بر خط

علاوه بر فرایند آیینی الکترونیکی ممکن است، جلسه دادرسی نیز به صورت آنلاین و بر خط برگزار شود (Hornle, 2003, p. 143). این نوع دادرسی از لحاظ اصول راهبردی دادرسی و رعایت تقابل بین اصحاب دعوی، از قواعد عمومی دادرسی پیروی می‌کند. از طرف دیگر، باید این نکته را بیان نمود که اولاً منشأ حل اختلاف به صورت بر خط^۳ می‌تواند قراردادی یا غیرقراردادی و همچنین ناشی از رابطه حقوقی سنتی و یا الکترونیکی باشد. بنابراین منشأ اختلاف تعیین کننده نوع نظام حل اختلاف نیست (Hualing, 2010, p. 10).

۱. بند ۷ از اصل ۵ آیین دادرسی مدنی فراملی: همچنین سیاق اصول ۷، ۹ و ۱۱ نشان دهنده توجه تدوین کنندگان به دادرسی سنتی توأم با ارتباط عرفاً مؤثر و یا تبادل مؤثر نظیر ارتباطات الکترونیکی است.
 ۲. ماده ۷۴۸ از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز به فرایند آیین الکترونیک توجه داشته و حتی ذیل بند ۲۱ ام با عنوان تبادل الکترونیکی اطلاعات تقریر شده است. فلذا موضع قانونگذار فرانسه نیز همانند موضع به کار رفته در اصول فراملی، دایر مدایر تبادل الکترونیکی اطلاعات و اسناد دادرسی، فارغ از برگزاری جلسه دادرسی بر خط (آن لاین) است.

ثانیاً شیوه حل اختلاف بر خط می تواند شامل دادرسی های سنتی یا خصوصی، هر دو گردد. به عنوان مثال، شیوه های جایگزین حل اختلاف (ADR) ممکن است از طریق بر خط (ODR) حل و فصل گردند. بنابراین بر خط بودن حل اختلاف تأکید بر روش مجازی در انجام دادرسی به حساب می آید و تفاوت صرفاً در فضا و جو جریان دادرسی است.

از جمله مهمترین شیوه های برگزاری جلسات دادرسی به صورت مجازی را می توان گپ اینترنتی،^۱ شبکه تلفن اینترنتی^۲ و شبکه کنفرانس بصری^۳ نام برد. کمیسیون اروپایی کارآمدی دادگستری در پژوهشی با عنوان مدیریت زمان و سیستم های قضایی،^۴ راه اندازی شبکه کنفرانس بصری را دارای مزیت سرعت، کنترل هزینه، امکان ذخیره، قابلیت پخش مکرر، دسترسی آسان به اطلاعات، همگام بودن با تحولات و محدود نبودن به مرزهای جغرافیایی می داند (Hornle, 2009, p. 214). همچنین کوتاه شدن مدت دادرسی، ۲۴ ساعته شدن دادگاه و انجام برخی از امور در غیر ساعات اداری و ایام تعطیل و به تبع آن عدم ترافیک در ایام اداری، جلوگیری از اتلاف وقت دستگاه قضایی در رسیدگی به پرونده های کوچک مثل دعاوی راهنمایی و رانندگی و انحصاص وقت بیشتر برای دعاوی حقوقی و کیفری مهم از دیگر فواید دادرسی الکترونیک می باشد (مهرافشان، ۱۳۹۰، صص ۱۴۲-۱۴۳).

گپ اینترنتی نیز امکان گفتگوی دو سویه و همزمان اصحاب دعوا را فراهم می کند. البته باید خاطرنشان کرد که در گپ حرفی (بدون تصویر) امکان سرقت هویت طرفین دعوی و شهود وجود دارد. همچنین بسیاری از مدارک و گفتگوهایی که در جلسات رسیدگی مطرح می شوند جنبه محرمانه دارند. به همین دلیل، طرفین انتظار ندارند که مقام رسیدگی کننده، اقدام به افشای آنها نمایند یا برای مبادله آنها از ابزارهایی غیر مطمئن استفاده کنند. یکی از راهکارهای رفع مشکل، استفاده از سامانه های محدود (بسته) است. در این سامانه از یک تامین کننده ارتباط اینترنتی خاص (با تعهدات، وظایف و خط مشی از قبل تعریف شده) برای تضمین ایمنی ارتباطات استفاده می شود

۱. Chat

۲. IP Technology

۳. Video Conferencing

۴. CEPEJ, "Time management of Justice systems", (Strasbourg, 6-8 December 2006).

(السان، ۱۳۹۱، ص ۲۹۷). همچنین برای کنترل اینگونه معایب می‌توان از سیستم مدیریت الکترونیکی مدارک^۱ (سمام) یا تکنیک بایگانی مدارک^۲ استفاده کرد. علاوه بر راه‌حل‌های اخیر، تشخیص هویت اصحاب دعوا از طریق امضای الکترونیکی مطمئن، نیز باید در سامانه مدیریت امنیت اطلاعات پیش‌بینی شود.

سیستم کنفرانس بصری نیز، شیوه‌ای مفید در رابطه با تعامل رو در روی اصحاب دعوی به شمار می‌آید. امتیاز برجسته کنفرانس بصری این است که هیچ‌یک از طرفین دعوی، دادرسی یا شهود نیاز به مسافرت نداشته و در وقت و هزینه‌های خصوصی و اجتماعی دادرسی، صرفه‌جویی می‌شود (Robertson, 2012, p. 3).

یکی از مهمترین مشکلات دادرسی برخط، فقدان حضور فیزیکی و آثار حقوقی - روانی ناشی از این وضعیت است. گفنگوی تلفنی یا ارتباط زنده تصویری، هیچ‌گاه نمی‌تواند مبین تمام واقعیاتی باشد که ماهیت اختلاف طرفین یا ذهنیت متخلف را تشکیل می‌دهد. با اطمینان می‌توان این ادعا را مطرح کرد که این اشکال، ویژگی دایمی انواع رسیدگیهای برخط خواهد بود و باید با لحاظ معایب و مزایایی که این شیوه از دادرسی دارد درباره هر پرونده به طور خاص، این امر را بررسی کرد که آیا می‌توان از این شیوه بهره گرفت یا نه. (السان، ۱۳۹۱، ص ۲۶۰).

نتیجه

یکی از متغیرهای با اهمیت در ارزیابی کیفی نظام عدالت، مقوله سرعت در ساختار نظام و جریان دادرسی است. تسریع در دادرسی و استفاده از فن آوری در ابلاغ، تبادل لوایح و ... موجب چابک-سازی، پویایی و ایجاد فضای اعتماد و بازدهی می‌شود. در این راستا، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب بهبود مدیریت قضایی می‌گردد. بی‌طرفی قضات و کارمندان اداری و سلامت و دوری از فساد، شفافیت، برابری در برابر قانون و بهره‌مندی از خدمات قضایی در مراحل سه‌گانه قبل

۱. سمام نوعی نرم‌افزار است که تمامی مدارک و اسناد راجع به پرونده را در خود ذخیره می‌کند. این نرم‌افزار امکان پردازش، بازیابی، پرینت، تطبیق، بررسی و جستجوی مدارک را دارد. سمام را باید روشی مطمئن در دادرسی بدون کاغذ ارزیابی نمود.
 ۲. در بایگانی الکترونیکی مدارک و اسناد پرونده، پایگاه داده مرکزی وجود دارد که صرفاً به اصحاب دعوی و دادرسی اجازه رؤیت، جستجو یا بازیافت اسناد دادرسی را می‌دهد. پیش‌بینی شبکه ملی اطلاعات (بند الف ماده ۴۶) و مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه (بند ۱ قسمت ح ماده ۲۱۱) در قانون برنامه پنجم توسعه را می‌توان جلوه بنیادین از بایگانی الکترونیکی اطلاعات عمومی قضایی و اطلاعات خصوصی دادرسی نام برد.

از دادرسی، حین دادرسی و بعد از دادرسی و اجرای حکم (ر.ک: همتی، ۱۳۹۶) به عنوان ارزش های قضایی یا اصول رفتار قضایی (ر.ک: شاه حیدری پور و همتی، ۱۳۸۴) و از مؤلفه های اصلی به زمامداری قضایی هستند که دولت الکترونیک قضایی که همان استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی است نقش راهبردی در تحقق آنها دارد. ارجاع خودکار و سیستمی پرونده ها به شعبات و دادگاهها موجب بی طرفی قضات و کارمندان اداری و تأمین برابری شهروندان و رفع زمینه های فساد (تقلب، ارتشا و دخالت های اشخاص) می گردد. این امر دو هدف اساسی حفظ، تأمین و تضمین حقوق شهروندان و کارآمدی و اثربخشی دستگاه قضایی را محقق می سازد. مبنای قانونی تکلیف دستگاه قضایی برای بکارگیری فن آوری اطلاعات و ارتباطات در سیاست های کلی قضایی پنجساله، قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور، برنامه های پنجساله پنجم و ششم و ... فراهم شده و دستگاه قضایی گامهایی را در این راستا برداشته است که از جمله آنها دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، سامانه ثنا و سیستم اتوماسیون اداری می باشد. اما لازم است به لحاظ عملیاتی آثار و چالش های احتمالی این فن آوری ها بر حقوق شهروندی و اثربخشی آنها آسیب شناسی شود. ضمن اینکه بسترها و قابلیت های دیگری هم در راستای دولت الکترونیک قضایی برای تحقق عدالت قضایی وجود دارد که در این مقاله به آنها اشاره گردید. به منظور استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در جریان دادرسی دادگاهها، باید اقداماتی اساسی در جهت اصلاح مقررات صورت پذیرد. علاوه بر این باید به توسعه و تجهیز الکترونیکی پرداخته و زیرساخت های فنی برای پشتیبانی از تولید و تبادل داده های الکترونیکی و اسناد ایجاد گردد. همچنین، به منظور ترویج استفاده از داده های الکترونیکی و انتقال اسناد بین دادگاهها و طرفین دعوی و عموم مردم، باید تلاش هایی برای بهبود روانی و سرعت خدمات و ارتباط بین دادگاهها و کاربران آنها انجام شود. برای این منظور، فناوری اطلاعات و ارتباطات باید در دو حوزه اطلاعات سازمان قضایی و ارتباطات سازمان قضایی مدنظر قرار گیرد.

منابع

فارسی

➤ افتخارچهرمی، گودرز و السان، مصطفی (۱۳۹۳)، **آیین دادرسی مدنی**، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات دوراندیشان.

- حبیبی، بهنام (۱۳۹۲)، **حقوق و اقتصاد**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- رضایی، علی (۱۳۸۹)، **اصول بنیادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیک آنسیترال**، مجله پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش، شماره ۱۷.
- السان، مصطفی (۱۳۹۱)، **حقوق تجارت الکترونیکی**، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- شاه‌حیدری پور، محمدعلی؛ همتی، مجتبی (۱۳۸۹)، **شرح اصول رفتار قضایی (بنگلور)**، تهران: خرسندی.
- محسنی، حسن؛ رضایی‌نژاد، همایون (۱۳۹۱)، **دادگستری و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات**، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- مهرافشان، علی‌رضا (۱۳۹۰)، **دادرسی مجازی؛ مفهومی نوین در عدالت قضایی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان.
- همتی، مجتبی (۱۳۹۶)، **تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۵۵، تابستان.

انگلیسی

- Burrows, J. H (2008), **“Electronic Data Interchange (EDI), National Institute of standard and Technology**, <http://www.itl.nist.gov/fipspubs/fip161-2.htm>.
- CEPEJ ‘European judicial systems’ 2006, available at: http://www.coe.int/t/dg1/legalcooperation/cepej/evaluation/2006/CEPEJ_2006_eng.pdf. See also national reports available at: http://www.coe.int/t/dg1/legalcooperation/cepej/evaluation/2006/Table2006_en.asp. Available at: <http://www.scotland.gov.uk/Resource/Doc/47171/0031637.pdf>
- CEPEJ, **Use of information and communication technologies (ICT) in European judicial systems - CEPEJ Studies No. 7**, Marco Velicogna, IRSIG-CNR.
- Dumortier, J. and Goemans, C, **“the Challenge of the Information Society: Application of Advanced Technologies in Civil Litigation and Other Procedures”**, Report on Belgium, XI World Congress on Procedural Law, Vienna, 23-28 August 1999.
- Fabri, M. and M.Velicogna (2007), **Information and Communication Technology for Justice**, International Conference on Law and Society, 25-28 July, Humboldt University, Berlin, Germany.
- Fabri, M., F. Contini (eds) (2003), **Judicial Electronic Data Interchange in Europe: Applications, Policies and Trends**, Bologna, Lo Scarabeo.
- Fabri, M., Langbroek, P.M, (eds) (2000), **“The challenge of change for Judicial systems”**, IOS Press.
- Greacen, J.M (2001), **‘Legal Information Vs. Legal Advice, Developments During the Last Five Years’**, The Judicature, Vol. 4.

- Hanseth, O, Monteiro, E., Hatling, M, (1996), “**Developing information infrastructure: The tension between standardization and flexibility**”, Science, Technology and Human Values 21, pp. 407-426.
- Hanseth, O, Lyytinen, K, “**Theorizing about the design of Information Infrastructures: design kernel theories and principles, work in progress**”, available at: <http://heim.ifi.uio.no/~oleha/Publications/ISRinfrastructurefinal05-12-05.pdf>
- Hornle, J. (2009), “**Cross – Border Internet Dispute Resolution**”, Cambridge University Press.
- Hornle, J. (2003), “**Online Dispute Resolution**”, International Review of law computer & Technology, vol. 17, No. 1.
- Hualing, Fu (2010), “**From Online Mobilization to offline Action**”, At: <http://www.hbver.Comy article/ 4018>.
- Irish Courts Service, **ICT Strategy 2006-2010 for the Courts Service** (2006), available at:
[http://www.courts.ie/Courts.ie/library3.nsf/\(WebFiles\)/75704E3E1D4B1E048025716800557865/\\$FILE/ICT%20Strategy%202006-2010.pdf](http://www.courts.ie/Courts.ie/library3.nsf/(WebFiles)/75704E3E1D4B1E048025716800557865/$FILE/ICT%20Strategy%202006-2010.pdf).
- Kallinikos, J. (2006), “**ICT in Justice: The case of Money Claim Online Service in England and Wales**”, Workshop on ICT and Justice, Bologna.
- Kujanen, K. (2004), “**E-services in the courts in Finland**”, Presentation at the Seminar on Law and Informatics, Bern.
- Loveday, B. (2000) “**Adress to EGPA conference, cape sounion, Greece**” in M. Fabri et al. (eds), “The challenge of change for Judicial systems”, IOS Press.
- McMillan J. E. (1995), “**Case Management Systems: The four Bubbles**”, available at:
http://www.ncsconline.org/WC/Publications/KIS_CasSysCTB1995McMillanPub.pdf.
- Reidenberg, J. (2005), “**Technology and internet jurisdiction**”, University of Pennsylvania law review, vol. 158.
- Robertson, C. B. (2012), “**The Facebook Disruption: How social Media May Transform Civil Litigation and Facilitate Access to Justice**”, School of law, Case western Reserve University.
- Schmidt, A. (2007), “**T and the Judiciary in Netherlands s – A state of affairs**”, Computer Law & Security Review, Volume 23, Issue 5, Pages 453–460.
- Scottish summary Justice Review Committee (2004), **The Summary Justice Review Committee: Report to ministers.**
- Taruffo, M. (1998), ‘**Judicial Decisions and Artificial Intelligence**’, Artificial Intelligence and Law, Volume 6, Issue 2, pp 311-324.
- Velicogna, M. (2007), “**Justice Systems and ICT What can be learned from Europe?**”, Utrecht law review, Volume 3, Issue 1.
- Velicogna, M. (2004), “**Local Initiative in Hyper-regulated Organizations: A Frail Way to Innovation**”, PISTA conference, Orlando, 21-25 July.
- Velicogna, M, Yein Ng, G. (2006), “**Legitimacy and Internet in the Judiciary: A Lesson From the Italian Courts’ Websites Experience**”, International Journal of Law and Information Technology, Vol. 14.

- Zheng, T. (2007), “**An Effective Dispute Resolution system for Electronic Consumer Contracts**”, Computer law and security Report, Vol. 23.